

Violence against women from the perspective of Grand Ayatollah Seyyed Ali Khamenei

Sedighe Mahdavi Kani

Associate Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. s.mahdavi@isu.ac.ir

Hajar Nematollahi

Corresponding Author, PhD of Physics, Tehran University, Tehran, Iran. physics.84@gmail.com

Abstract

Violence against women has been discussed in human societies for a long time, and with the passage of time, this social phenomenon has not been resolved, but has intensified in some societies. Today, in the modern world, some forms of this phenomenon have changed and new dimensions of it have been identified. Therefore, the current research has investigated the phenomenon of violence against women by using library techniques and with an explanatory approach and using a descriptive-analytical method, based on the views and opinions of Supreme Ayatollah Khamenei. The findings show that violence against women has existed throughout history and in human societies in private and family spheres and public environments, in hard and soft forms and various types such as mental, physical, sexual, ethnic, economic and political violence. which itself can be caused by social, cultural, political and economic factors and carries consequences such as negative effects on spouses and children in the family environment and causes many problems including lack of social security, analysis of positive energies of society and creation of weak and incapable human resources in be the community environment. The final result indicates that among the views raised in the issue of women (intellectualist approach, petrified approach and moderate approach), only the moderate view can place women in their true position and intellectualist and petrified approaches lead to There is a lot of violence against women.

Keywords: violence, women, violence against women, cruelty to women, Ayatollah Khamenei

خشونت علیه زنان از منظر آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای

صدیقه مهدوی کنی

دانشیار و عضو هیئت علمی گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق، تهران، ایران.

s.mahdavi@isu.ac.ir

هاجر نعمت الهی

دانش آموخته دکتری تخصصی فیزیک گرایش هسته ای دانشگاه تهران، ایران.

physicss.84@gmail.com

چکیده

از دیرباز خشونت علیه زنان در جوامع انسانی مطرح بوده و با گذشت زمان این پدیده اجتماعی نه تنها رفع نشده بلکه در بعضی جوامع تشدید شده است. امروزه در دنیای مدرن بعضی از اشکال این پدیده تغییر کرده و ابعاد جدیدی از آن شنا سایی شده است. لذا پژوهش حاضر با بهره‌گیری از تکنیک‌های کتابخانه‌ای و با رویکرد تبیینی و استفاده از روش توصیفی — تحلیلی، بر مبنای دیدگاه‌ها و نظرات آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به بررسی پدیده خشونت علیه زنان پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که خشونت علیه زنان در طول تاریخ و در جوامع بشری در حوزه‌های خصوصی و خانوادگی و محیط‌های عمومی، به اشکال سخت و نرم و انواع مختلفی همچون خشونت روانی، جسمی، جنسی، قومی، اقتصادی و سیاسی وجود داشته است که خود می‌تواند ناشی از عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و حامل پیامدهایی چون تأثیرات منفی بر همسر و فرزندان در محیط خانواده و زمینه‌ساز مشکلات فراوانی از جمله عدم امنیت اجتماعی، تحلیل انرژی‌های مثبت جامعه و ایجاد نیروی انسانی ضعیف و ناتوان در محیط جامعه باشد. نتیجه نهایی حاکی از این است که در بین نگاه‌های مطرح در مسئله زنان (رویکرد روشنفکر مآبانه، رویکرد متحجرانه و رویکرد اعتدالی)، تنها نگاه اعتدالی است که می‌تواند زن را در جایگاه واقعی خود قرار دهد و رویکردهای روشنفکر مآبانه و متحجرانه منجر به خشونت‌های فراوانی علیه زنان می‌گردند.

واژگان کلیدی: خشونت، زنان، خشونت علیه زنان، ظلم به زن، آیت‌الله خامنه‌ای.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۸

فصلنامه رهنمون انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳، صص ۹۷-۱۱۹

دسترسی به مقالات نشریه علمی رهنمون انقلاب اسلامی (Open Access) است.

Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0



نشریه علمی «رهنمون انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی

Doi: [10.22034/rir.2022.164257](https://doi.org/10.22034/rir.2022.164257)

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه رهنمون انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

هنگام ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان، دنیا به دو دسته متمایز تقسیم می‌شد: دسته اول: ملل متمدن مثل امپراتوری بزرگ روم و شاهنشاهی ایران و ملل دیگر مانند مصر، حبشه، هند و چین بودند. در میان این ملل، زن، حکم انسان را داشت، ولی انسان اسیری که آزادی اراده و عمل نداشت و از مزایای عمومی اجتماعی به کلی محروم بود. او در امور خود هیچ‌گونه آزادی و استقلالی نداشت و تمام کارهایش با اجازه مرد بود و اگر مورد تعدی قرار می‌گرفت، اقامه دعوی و شکایت او به دست مردان بود. دسته دوم: ملل و اقوام عقب مانده، مانند مردم آفریقا بودند. زن در میان این اقوام، انسان محسوب نمی‌شد، بلکه سربار جامعه به حساب می‌آمد و مثل حیوانات اهلی با او برخورد می‌شد. این محیط عمومی در هنگام ظهور اسلام بود. در چنین محیطی اسلام زن را جز حقیقی و کامل جامعه انسانی قرار داد و از اسارت بیرون آورد.

تعالیم اسلامی همه اشکال خشونت نسبت به همه انسان‌ها را ممنوع دانسته و همواره بر رعایت حال افراد و نرمش و مدارا در روابط اجتماعی تأکید کرده است. اسلام همواره مدافع مظلومان بوده و توصیه‌های فراوانی بر خوش‌رفتاری با زنان داشته و از خشونت علیه آنان بازداشته است (آیت‌اللهی، ۱۳۸۰). بررسی‌های انجام شده بر روی آیات قرآن و احادیث معصومین (ع) حاکی از آن است که تأکیدهای فراوانی نسبت به نفی خشونت علیه زنان در آموزه‌های وحیانی ما وجود دارد (یامچی خان محمدی، ۱۳۸۷). خداوند صراحتاً فاحشگی و خشونت علیه زنان را محکوم کرده و حجاب را شیوه‌ای برای کنترل شهوت جنسی و در نتیجه محافظت از زنان قرار داده است (یامچی خان محمدی، ۱۳۸۷). از نگاه قرآن و اسلام بین زن و مرد تفاوتی نیست. محور اصلی انسانیت به روح اوست که در این بخش بین زن و مرد تفاوتی وجود ندارد؛ تفاوت زن و مرد در بدن آنهاست که بعضاً وظایف متفاوتی بین این دو جنس برقرار می‌کند. پیامبر اسلام در راستای احیای کرامت و ارزش‌های انسانی زن و مرد کوشید و اعتدال‌گرایی در عرصه حقوق بشر و حقوق زن و مرد را بنیاد نهاد.

پیامبر اکرم (ص) در روایتی در مورد جزای بدرفتاری شوهر با همسرش فرموده‌اند: هر مردی که با سخنان خود همسرش را آزار دهد، خداوند از او بخشش و صدقه و حسنه‌ای را قبول نمی‌کند تا زن خود را راضی کند. اگرچه آن مرد روزش را روزه بگیرد و شب‌ها را شب زنده‌داری کند و در راه خدا برده آزاد نماید و در راه جهاد با دشمنان خدا مبارزه کند و چنین شوهری اولین کسی است که وارد آتش جهنم می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۰). پس از پیامبر، فقه شیعی به همت امام باقر و امام صادق بسیاری از سنت‌ها و رسوم قدیمی جامعه اسلامی را اصلاح کرد و جایگاه واقعی زن را بر اساس احکام صریح قرآن معین نمود (یامچی خان محمدی، ۱۳۸۷). لذا یکی از مسائل مورد توجه دین اسلام و بزرگان دین، دور نگه‌داشتن زنان از تهدیدها و آسیب‌های جسمی و روحی است. در حالی که در غرب بسیاری از زنان، قربانی نامالایمات اخلاقی و جسمی و جنسی می‌شوند (آیت‌اللهی، ۱۳۸۰). هر چند غرب ادعا دارد که به زن‌ها به عنوان موجودی برابر با مردان و یا حتی بالاتر از آن نگرسته می‌شود، اما چنین چیزی صحت ندارد و زنان در غرب هم مورد ظلم قرار گرفته‌اند. حتی اگر از آمارهای بالای ظلم به زنان و محدود کردن و کتک زدن سن‌ها در غرب چشم‌پوشیم، بازهم، شکل دیگری از خشونت وجود دارد که موجب آزار و اذیت زنان می‌شود که آن ممانعت از حجاب و کار در برخی از کشورها، تحقیر شخصیت و نگاه ابزاری به زن‌ها و معرفی زن به عنوان عروسک و وسیله التذاذ مردان در شبکه‌های ماهواره‌ای است (ولی‌مراد، ۱۳۹۴). گرایش‌های فمینیستی غربی نیز در عمل نمی‌تواند آرامش و آسایش را برای زن به ارمغان آورد، چرا که این تصور را در ذهن زن به وجود می‌آورد که اگر تاکنون در حق او ظلم شده، باید برای احقاق حق خود با مردان به ستیز برخیزد و این تفکر به جای سازش و هم‌زیستی، احساس مقابله با مرد و همسر خود می‌کند و آسایش و آرامش را از زندگی گرفته و تنها تخم نفرت، کینه و سوءظن را در خانواده می‌کارد.

البته مسئله خشونت علیه زنان تنها مربوط به گذشته نیست و امروزه نیز به طور گسترده و وسیعی وجود دارد و امری جهانی و مشکلی فراگیر و نهادینه است. اگر در گذشته زن به عنوان جنس دوم و خدمتکار مرد معرفی می‌شد و در خانه محبوس می‌گشت، امروزه آزادی بی‌قید و شرط زن منجر به خشونت‌های فراوانی

چون خشونت جنسی، خشونت جنسی غیر تماسی، خشونت کلامی، تجاوز، خشونت در مورد جهیزیه، خشونت از سوی دولت‌ها مثل وضع برخی قوانین، خشونت در جامعه مثل آزار جنسی و خشونت فرهنگی که مربوط به آداب و رسوم می‌شود و محدودیت‌هایی را برای زنان به دنبال دارد، تن‌فروشی اجباری، بارداری اجباری، خرید و فروش زنان و دختران، خشونت علیه زنان کارمند و خدمتکاران زن، خشونت‌های ناشی از جنگ، خشونت در زندان، خشونت نگاهی و رفتاری، خشونت سیاسی و غیره، علیه او گردیده است.

ضرورت این مسئله از آنجا معلوم می‌شود که امروزه مباحث مربوط به زنان یکی از مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین موضوعاتی است که پیش روی ادیان و مذاهب قرار دارد و دین اسلام نیز از این امر مستثنا نیست. با توجه به آنچه طی دهه‌های گذشته در ایران و جهان بر زنان رفته و با نگاه به پهنای یافتن مسائل اجتماعی مربوط به زنان و گسترش ابزارهای اطلاع‌رسانی و تبلیغات گسترده دشمنان بر علیه اسلام و انقلاب و متهم کردن اسلام به خشونت و نقض حقوق بشر و حقوق زن و همچنین با توجه به گستردگی و در دسترس بودن اندیشه‌ها و آرای مخالفان و با توجه به غنا و پرباری اندیشه‌های اسلام و متفکران اسلامی لازم است هر چه بیشتر در جهت تبیین و نشر اندیشه‌های اسلامی بکوشیم تا از این رهگذر هم دنیا را هرچه بیشتر با اندیشه‌های اسلام راستین آشنا کنیم و هم به مقابله با هجمه‌ها و تبلیغات دروغین دشمنان پردازیم.

یکی از بهترین راه‌های ورود به این صحنه و مقابله با شبهات و انحرافات، معرفی آرا و دیدگاه‌های بزرگان و متفکران اسلامی است. یکی از این متفکران آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران است که در این مقاله سعی شده مسئله خشونت علیه زنان از دیدگاه ایشان بررسی و تحلیل گردد و دیدگاه‌های واقعی ایشان در مورد زن و خشونت علیه زنان، در پاسخ به این سؤال که حوزه‌ها، اشکال، علل و پیامدهای خشونت علیه زنان از منظر آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) چیست؟ را دریابد و نشان دهد برای داشتن یک جامعه کامل باید هر چه بیشتر به سمت مبانی و اخلاق اسلامی نزدیک شد و قوانین اسلام را در جامعه پیاده

کرد که این امر خود نیاز به زمینه‌سازی فرهنگی از سوی خانواده‌ها و همچنین رسانه دارد.

پیشینه تحقیق

سابقه تألیف و تدوین پیرامون زنان در حوزه فرهنگ اسلامی بسیار طولانی است. این تلاش‌ها در دو دوره انجام شده است. دوره اول از قرن دوم و سوم آغاز شده و تا حدود قرن سیزدهم ادامه دارد. در این دوره برخی از این نوشته‌ها به مسائل فقهی و احکام بانوان می‌پردازند، مانند نوشته‌های شیخ مفید (احکام النساء). بخش دیگری از نوشته‌ها همچون اخبار النساء (ابن جوزی)، مجلدی از طبقات الکبری (ابن سعد)، المنمق و المحبر (ابن حبیب)، احکام النساء، اشعار النساء (ابن ندیم)، به شرح حال و اخبار برخی از زنان، همچون زنان پیامبر، زنان صحابی، زنان اشراف، زنان آوازه‌خوان و شاعر و کنیزکان زیباروی و هنرمند پرداخته است که این قبیل آثار، منبعی برای تحقیق درباره نقش زنان در تاریخ اجتماعی و فرهنگی اسلام محسوب می‌گردد (جعفریان ۱۳۷۶)؛ اما از قرن سیزدهم قمری، هم زمان با ارتباط مسلمانان با دنیای غرب، نوع دیگری از نوشته‌ها شکل می‌گیرد که غالباً محور اصلی آن‌ها، حقوق زن، آزادی زن، اشتغال زن و مسائلی است که دنیای امروز با آن درگیر است. در این زمینه می‌توان به آثاری چون حقوق النساء (رشید رضا)، فصل الخطاب فی تنقیح الحجاب (محدث اصفهانی)، خواهران و دختران ما (کسروی) اشاره کرد (یامچی خان محمدی، ۱۳۸۷).

متفکران و اندیشمندان اسلامی معاصر نیز در زمینه‌های مربوط به زنان آثاری دارند که در این بین می‌توان از علامه طباطبایی، آیت‌الله جوادی آملی، شهید مطهری و علامه مصباح یزدی نام برد. این بزرگان با بهره‌گیری از روح قرآن و آموزه‌های وحیانی و اصل قرار دادن روح و حقیقت انسانی و تأکید بر یکسانی آن در زن و مرد، بر نفی خشونت علیه زنان سفارش می‌کنند. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌نویسد: از نظر اسلام زن دارای شخصیتی مساوی شخصیت مرد بوده، در آزادی اراده و عمل از همه جهات با مرد تفاوتی ندارد مگر آنچه مقتضای وضع روحی زن است (طباطبایی، ۱۳۹۱ ق). امام خمینی (ره) می‌فرماید: تمام هویت‌های کمالی که در انسان مطرح است در زن مطرح است (خمینی، ۱۳۸۴). آیت‌الله جوادی آملی

می‌فرمایند: هیچ مزیتی برای مرد نسبت به زن در اصل آفرینش نیست و اگر برخی از روایات عهده‌دار اثبات این مزیت هستند یا از لحاظ سند نارسا و یا از جهت دلالت ناتمام‌اند و اگر فرضاً از هر دو جهت تمام باشند چون مسئله مورد بحث یک امر تبعیدی محض نیست، نمی‌توان آن را به یک دلیل ظنی غیرقطعی ثابت کرد (جوادی آملی، ۱۳۶۹).

به جز آثار این بزرگان، مجلات و مقالات بسیاری در مورد حقوق زن، خشونت علیه زنان و دیگر مسائل مربوط به زن، از منظر حقوقی، اجتماعی و ... در دوران معاصر نگاشته شده است. در بین آثار شفاهی می‌توان به سخنرانی‌های متفکرانی چون آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مد ظله‌العالی) و امام خمینی (ره) اشاره کرد؛ اما اغلب این مطالب، پراکنده و در باب موضوعات مختلف مربوط به زنان هستند و به صورت مجموعه‌ای منظم در باب خشونت علیه زنان از این بزرگان تنظیم نشده است. در بین آثار مکتوب اخیر نیز می‌توان به مقالاتی چون؛ عیسی زاده و دیگران (۱۴۰۱) نقد و بررسی لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» از منظر اصول و قواعد قانون‌گذاری، کرمی و مشهدی (۱۴۰۱) خشونت اکولوژیک علیه زنان تأملی حقوقی بر تأثیر تخریب محیط‌زیست بر افزایش خشونت علیه زنان، قرشی (۱۴۰۰) پذیرش خشونت علیه زنان به عنوان نقض حقوق بشر در سیستم سازمان ملل متحد و میرجعفری و همکاران (۱۴۰۰) مطالعه تطبیقی قوانین ملی و بین‌المللی در زمینه رفع خشونت خانگی علیه زنان، اشاره کرد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کیفی است که با استفاده از تکنیک‌های کتابخانه‌ای و با رویکرد تبیینی و روش توصیفی - تحلیلی، بر مبنای دیدگاه‌ها و نظرات آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و با بهره‌گیری از آثار مکتوب و سخنرانی‌های ایشان، انجام می‌شود.

تعاریف و اصطلاحات

خشونت

خشونت از ماده خشن به معنی درشتی و زبری است و در مقابل نرمی و لینت به کار می‌رود (حسینی دشتی، ۳: ۱۳۷۸ / ۹۷). روانشناسان اجتماعی تعریفی از خشونت دارند که عبارت است از: پرخاشگری، تحمیل اراده خود به دیگران (حنایی کاشانی، ۱۳۷۷) پیشبرد هدف و قصد با توسل به زور (حسینی دشتی، ۱۳۷۸) و گفتار و رفتار آزاردهنده. در اصطلاح، می‌توان خشونت را اقدامی عمدی و آگاهانه دانست که هدف از آن آسیب رساندن به فرد یا گروه و در واقع تحمیل نوعی درد و رنج است (مهر آرا، ۱۳۷۳). دفتر مطالعات و پیشگیری از وقوع جرائم خشونت‌آمیز (۱۳۷۵) هر عملی که منجر به صدمه و زیان جسمی یا روانی گردد را جرم خشونت‌آمیز تلقی می‌کند و تعریف رفتار خشونت‌آمیز را منوط به رویه‌ها و موازین مختلف اجتماعی و فرهنگی می‌داند.

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای خشونت می‌تواند فردی، سیاسی، مدنی و یا خشونت در دستگاه حاکم و ساختار آن باشد. خشونت را می‌توان به هر نوع رفتاری که منجر به صدمه زدن به فرد می‌گردد، اطلاق کرد؛ بنابراین رفتار خشونت‌آمیز می‌تواند هم توسط زنان و هم مردان صورت پذیرد، اما از آنجا که زنان نسبت به مردان آسیب‌پذیرتر هستند در این میان مسائل بسیاری سبب بروز خشونت علیه آنها می‌شود. خشونت، فقط کشتن، کتک زدن، زندانی کردن، بداخلاقی کردن، تندی کردن نیست. خشونت واژه‌ای است که نه ارزش است و نه ضد ارزش بلکه امری نسبی بوده و تابع شرایط خواهد بود. اسلام درباره مسئله خشونت نظر روشن و واضحی دارد. اسلام استفاده از خشونت را اصل قرار نداده؛ اما در مواردی که خشونت قانونی باشد، آن را نفی هم نکرده است. ما دو گونه خشونت داریم: یک خشونت قانونی است؛ یعنی قانون، خشونتی را اعمال می‌کند؛ یک خشونت در برابر تجاوز به حقوق انسان‌هاست که این خشونت بد نیست. این خشونت در مقابل آدم بی‌قانون است. این خشونت در مقابل متجاوز است. اگر در مقابل متجاوز خشونت اعمال نشود، تجاوز در جامعه زیاد خواهد شد. اینجا خشونت لازم است. یک خشونت هم خشونت غیرقانونی است. مثلاً یک نفر بیجا، خودسر، خودرأی، بر طبق میل خود، برخلاف قانون و برخلاف دستور، نسبت به کسی اعمال خشونت می‌کند؛ یک سیلی به گوش کسی می‌زند. شکی نیست که این نوع خشونت بد است (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱/۲).

زن

در فرهنگ فارسی، زن، انسان مقابل مرد و نیز جفت مرد معرفی می‌گردد که به عربی زوجه گویند (عمید، ۱۳۷۸) و در تعریف عملیاتی، زن، جنس مؤنثی است که قدرت باروری دارد. (یامچی خان محمدی، ۱۳۸۷) از دیدگاه اسلامی زن و مرد هر دو از یک نفس واحد هستند و از لحاظ ارزش و هویت انسانی یکسان‌اند. تنها آنچه باعث تفاوت این دو شده بخش‌های مادی و جسمانی است که منجر به وظایف متفاوتی برای این دو جنس شده است.

خشونت علیه زنان

خشونت علیه زنان پدیده‌ای است که در آن زن به خاطر جنسیت خود (صرف زن بودن) مورد اعمال زور و تزییع حق از سوی جنس دیگر (مرد) قرار می‌گیرد (یامچی خان محمدی، ۱۳۸۷). خشونت علیه زنان در اصطلاح، عبارت است از هر عملی حاوی زور و اجبار شفاهی یا فیزیکی و یا تهدید جانبی، علیه یک زن یا دختری که منجر به بروز آسیب‌های روانی یا فیزیکی، تحقیر و یا محرومیت اجباری از آزادی او شود و یا جنس دوم بودن زن را القاء کند. قرآن زن و مرد را در هویت انسانی برابر دانسته و آن‌ها را دو قطب مکمل یکدیگر می‌داند. در نگاه قرآن، جنس درجه اول و جنس طفیلی وجود ندارد.

پیمان‌نامه رفع خشونت علیه زنان که در سال ۱۹۹۳ توسط مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید، خشونت علیه زنان را چنین تعریف می‌کند: خشونت علیه زنان شامل هر عمل خشونت‌آمیزی است که جنسیت محور باشد و به صورت قطعی یا احتمالی منجر به آسیب یا رنجش فیزیکی، جنسی و یا روانی شود. تهدید به این اعمال خشونت‌آمیز، سلب اختیار و محرومیت مستبدانه از آزادی که از جمله موارد این خشونت به حساب می‌آیند، می‌تواند هم در زندگی خصوصی و هم در زندگی عمومی صورت گیرد (سوهانی، ۱۳۷۹).

خشونت نسبت به زنان محدود به خشونت بدنی نیست، بلکه هر نوع رفتاری که مرد به قصد اثبات قدرت برای نظارت بر زن داشته باشد خشونت است. پس خشونت روانی، اجتماعی، اقتصادی و جنسی را نیز شامل می‌شود. خشونت علیه زنان فقط خاص جوامع عقب افتاده و دنیای امروز نیست، بلکه در تمام ادوار و تمام جوامع

حتی در پیشرفته‌ترین کشورهای جهان نیز وجود دارد، فقط ممکن است شکل این پدیده در جوامع گوناگون متفاوت باشد. در دوران بدویت، زن به عنوان یک انسان مصرف‌کننده تلقی می‌گردید، لذا تنها کاربرد وی اطفاء غریزه جنسی و انجام کارهای خانه بود. در دوران جاهلیت، عرب‌ها داشتن فرزند دختر را ننگ و عار می‌دانستند و آن‌ها را زنده به گور می‌کردند. در آمریکای متجدد از زن به عنوان ابزار بازاریابی و تبلیغات استفاده می‌شود. در کشورهای زردپوست، زن‌ها کم و بیش در خدمت مردان هستند. در کشورهای فقیر، بیشترین کارهای داخل و خارج خانه توسط زن‌ها انجام می‌شود و در ایران خودمان، با توجه به اقشار مختلف و اقوام متفاوت، تنوع رفتاری بسیاری مشاهده می‌شود.

حوزه‌های خشونت علیه زنان

با توجه به بیانات آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان حوزه‌های خشونت علیه زنان را به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

حوزه خصوصی

خشونت‌های حوزه خصوصی در واقع خشونتی است که در درون خانواده رخ می‌دهد. این نوع خشونت بین افرادی است که به سبب ارتباط نسبی یا سببی با یکدیگر پیوند دارند. این نوع خشونت می‌تواند در خانه پدری توسط پدر به دختر یا برادر به خواهر یا فرزندان نسبت به مادر یا در خانه شوهر و توسط شوهر نسبت به همسرش اتفاق بیفتد. (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰) که مصادیق آن عبارت‌اند از:

- ازدواج اجباری و ندادن حق انتخاب همسر به دختران (۱۳۷۶/۷/۳۰).
- همسر آزاری، شکنجه و خیانت (۱۳۷۹/۶/۳۰).
- ریاست بی‌قید و شرط مرد بر خانواده (۱۳۶۸/۷/۳۰).
- تغییر نام خانوادگی زن پس از ازدواج به نام خانوادگی همسر (۱۳۷۶/۷/۳۰).
- دادن اختیار جسم و املاک زن به همسر (۱۳۷۶/۷/۳۰).
- استخدام و استثمار زن (۱۳۷۶/۷/ ۳۰).

- مهربانی و محبت نکردن به زن، کمبود مهربانی و عاطفه و بی‌توجهی نسبت به زن (۱۳۷۹/۹/۲۵).
- بی‌اهتمامی و رسیدگی نکردن به امور جسمی و روحی زن (۱۳۷۹/۹/۲۵).
- تعدی، سوءاستفاده و اهانت (۱۳۷۷/۱۲/۲۸).
- کتک، تجاوز و قتل توسط برادر، پدر یا همسر (۱۳۷۶/۷/۳۰).

حوزه عمومی

خشونت در حوزه عمومی یا خشونت اجتماعی نوعی از خشونت است که در آن زن به شدت در انزوای اجتماعی قرار می‌گیرد و از هر نوع فعالیت اجتماعی و تعامل با دیگر افراد جامعه محروم می‌شود. این خشونت می‌تواند توسط هر یک از افراد جامعه یا مؤسسات و نهادهای خصوصی و دولتی یا توسط قانون و حکومت اعمال شود (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۰/۱۶ و ۱۳۷۴/۴/۷) که مصادیق آن عبارت‌اند از:

- ناامنی محیط جامعه (۱۳۷۵/۱۲/۲۰).
- فراهم کردن وسایل لغزش و ابتذال زن و تبدیل زن به وسیله التذاذ مردان (۱۳۷۱/۹/۲۵).
- جلوگیری از تحصیل یا اشتغال یا آسایش زنان (۱۳۷۶/۷/۳۰).
- اجبار زن به کار کردن و داشتن شغل و درآمد (۱۳۷۵/۶/۲۸).
- جلوگیری از رشد و تکامل مادی و معنوی زن (۱۳۷۹/۶/۱).
- نبود قوانین مناسب برای رسیدگی به حقوق زنان (۱۳۹۰/۳/۱).
- اهمال‌کاری و عدم اجرای مناسب قوانین مربوط به حقوق زنان (۱۳۹۰/۳/۱).
- گرفتن حقوق زنان از جمله حق رأی، حق مالکیت و حق معامله (۱۳۶۸/۱۰/۲۶).
- بی‌عدالتی، تبعیض، عدم برابری حقوق زن و مرد و عدم توجه به کرامت زن و مرد (۱۳۷۵/۱۲/۱۸).
- تحمیل کار سنگین به زن (۱۳۷۵/۶/۲۸).
- دستمزد کمتر نسبت به مردان برای کار برابر (۱۳۷۶/۷/۳۰).

- سوق دادن زن به سمت تجمل، مصرف‌گرایی و آرایش‌های بیهوده
(۱۳۶۹/۱۰/۱۶).

- استفاده از زن به عنوان ابزار بازیابی و تبلیغات (۱۳۶۸/۱۰/۲۶).

- فاسد کردن دختران از طریق برنامه‌هایی چون «دختر شایسته»
(۱۳۷۳/۷/۲۰).

- منع حجاب (۱۳۸۶/۱۰/۱۹)

با توجه به مطالب بالا درمی‌یابیم که خشونت علیه زنان محدود به مکان یا زمان یا محیط خاصی نیست. خشونت علیه زنان هم در درون خانواده و هم در بیرون خانواده، با ابزار و روش‌های مختلف و توسط افراد مختلف (همسر و اعضای خانواده، اعضای جامعه و دولت) در اشکال مختلف اعمال می‌شود که در بخش بعدی به طبقه‌بندی آن‌ها پرداخته می‌شود.

اشکال خشونت علیه زنان

خشونت علیه زنان می‌تواند به دو صورت نرم و سخت انجام شود که هر کدام از این دو نوع خود می‌تواند به اشکال مختلفی صورت بگیرد.

۱- خشونت نرم: هر نوع خشونتی که موضوع آن جسم و بدن مادی زن نباشد خشونت نرم گفته می‌شود.

۱-۱- روانی: هر نوع رفتار خشونت‌آمیزی که سلامت روحی و روانی زن یا به نوعی اعتبار، آبرو یا اعتماد به نفس وی را خدشه‌دار کند خشونت روانی گفته می‌شود (بخشی سورشجانی، ۱۳۸۵). خشونت روانی می‌تواند با نگاه، کلام یا رفتار اعمال شود. از انواع آن می‌توان اهانت، تحقیر، بی‌توجهی، خیانت، کمبود عاطفه، عدم رسیدگی به امور معنوی و روحی زن، ندادن حق رأی به زن، اعمال مالکیت نسبت به زن، شیء و کالا انگاشتن و استفاده تبلیغاتی از زن، اجبار به برداشتن حجاب، سوق دادن زن به سمت تجمل‌گرایی و آرایش‌های بیهوده، اختلاط زن و مرد، جلوگیری از رشد معنوی زن، دور کردن زن از محیط خانواده به بهانه ورود به اجتماع و جلوگیری از تحصیل زن را ذکر کرد.

۱-۲- اقتصادی: هر نوع رفتار خشونت‌آمیزی که در امور مربوط به اقتصاد، دارایی، مالکیت و اشتغال زن اختلال ایجاد کند یا امنیت اقتصادی او را به خطر

بیندازد یا بین وی و مرد ایجاد تبعیض کند خشونت اقتصادی گفته می‌شود (بخشی سورشجانی، ۱۳۸۵) که می‌توان از انواع خشونت مالی یا اقتصادی به جلوگیری از اشتغال زن، گرفتن حقوق و مایملک زن، بی‌اهتمامی به امور مادی زن، جلوگیری از مالکیت و استقلال مالی زن، جلوگیری از مشارکت اقتصادی، تبعیض و نابرابری‌های اقتصادی و دادن دستمزد کمتر به زن اشاره کرد.

۱-۳- سیاسی: این نوع خشونت اغلب توسط دولت، قانون و نهادهای قانونی صورت می‌گیرد و به صورت غفلت و بی‌اهتمامی به حقوق قانونی زنان در قانون‌گذاری و یا اجرا، عدم رسیدگی به حقوق و دعاوی زنان، عدم پشتیبانی و حمایت قانونی از زنان بروز می‌یابد. (یامچی خان محمدی، ۱۳۸۷) و (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۳/۱).

۲- خشونت سخت: در این نوع خشونت، جسم زن موضوع مورد خشونت می‌باشد.

۱-۲- جسمی: هر نوع رفتار خشونت‌آمیزی که منجر به آسیب و صدمه جسمی به زن شود را خشونت جسمی گویند (بخشی سورشجانی، ۱۳۸۵). از جمله خشونت‌های جسمی می‌توان به ضرب و شتم، کتک، چاقوکشی و قتل اشاره کرد (خامنه‌ای، ۳۰/۳۰/۱۳۷۶).

۲-۲- جنسی: هر نوع رفتار خشنی که از روی قصد و به نیت سوءاستفاده و آسیب جنسی صورت بگیرد، خشونت جنسی نامیده می‌شود (بخشی سورشجانی، ۱۳۸۵). از قبیل آزار جنسی، تجاوز به عنف، تجارت و قاچاق و سوء استفاده از زنان، فحشا و روسپیگری، ازدواج اجباری و رابطه جنسی اجباری. این موارد می‌تواند در محیط خانواده و از سوی بستگان، خویشاوندان و محارم زن و یا در محیط جامعه و از سوی افراد ناشناس صورت بگیرد (خامنه‌ای، ۳۰/۳۰/۱۳۷۶).

۳-۲- قومی: خشونت‌های قومی خشونتی است که معمولاً با تعصبات و آداب و رسوم جاهلی و غلط در میان بعضی از عشایر و یا اقوام و قبایل رخ می‌دهد. از جمله این نوع خشونت‌ها می‌توان به اجبار کردن دختر به ازدواج با پسرعمو، دادن حق انتخاب همسر برای دختر به خویشاوندان و به خصوص پسرعمو، استفاده از دختر به عنوان خون‌بها برای رفع اختلاف بین قبایل اشاره کرد (خامنه‌ای، ۲۰/۱۲/۱۳۷۵).

با توجه به نقش مهم و تأثیرگذار زنان در خانواده و جامعه و تأکید دین اسلام بر حفظ ارزش و حرمت زن و با توجه به فراوانی خشونت علیه زنان که بعضی از اشکال آن در بالا ذکر گردید، ضروری است که با شناسایی علل و عوامل مؤثر بر خشونت علیه زنان، هرچه بیشتر در جهت رفع ظلم و ستم از زنان گام برداریم.

علل و عوامل مؤثر بر خشونت علیه زنان

عوامل بسیاری در ایجاد خشونت علیه زنان مؤثر است. پاره‌ای از این عوامل در

زیر شمرده می‌شود:

- قدرت بدنی و زورمندی مردان (۱۳۷۶/۷/۳۰).
- دیدگاه‌های غلط فرد و جامعه نسبت به هویت، نقش، وظایف و حقوق زن، مثلاً طفیلی و درجه دوم دیدن زن یا اینکه زن برای خدمت به مرد یا برای تمتع و التذاذ مرد آفریده شده است و اینکه مرد سرور و صاحب زن است (۱۳۹۱/۱۲/۱۶).
- تعصبات بیجا و آداب و رسوم غلط جاهلی موجود در بعضی مناطق، مثلاً استفاده از دختر به عنوان خون بس و وسیله‌ای برای ختم جنگ (۱۳۷۵/۱۲/۲۰).
- بحران معنویت و نبود روح معنویت و عدم رعایت اخلاق و تقوا در مردان (۱۳۷۵/۱۲/۲۰).
- نبود مهر و محبت و صمیمیت در درون خانواده و بین زن و شوهر (۱۳۷۶/۷/۳۰).
- فساد اخلاقی و نقض حقوق بشر (۱۳۷۲/۶/۱۴).
- تزلزل بنیان خانواده و ابتذال زن (۱۳۷۹/۶/۳۰).
- نبود عفت و تقوا از طرف زن و تبدیل جامعه به صحنه خودآرایی و خودنمایی از سوی زنان (۱۳۸۹/۲/۱).
- نداشتن مهارت کافی برای شوهرداری از سوی زنان (۱۳۷۵/۱۲/۲۰).
- نبود امنیت در جامعه (۱۳۹۱/۱۲/۲۱).
- رواج روح اسراف‌گری و تجمل در جامعه و در نتیجه ناتوانی مرد از برآوردن نیازهای همسر و خانواده (۱۳۶۹/۱۰/۱۶ و ۱۳۷۱/۹/۲۵).

- فقدان قوانین کافی برای دفاع از حقوق زنان و پشتیبانی و حمایت از آنان (۱۳۹۰/۳/۱).
- عدم اجرای صحیح قوانین دفاع و حمایت از زنان (۱۳۹۰/۳/۱).
- فقدان یا عدم اجرای صحیح قوانین بازدارنده از خشونت علیه زنان (۱۳۹۰/۳/۱).
- عدم آگاهی کافی زنان از نقش، وظایف و حقوق خود (۱۳۷۵/۱۲/۲۰).
- عدم آگاهی جامعه از مقررات و قوانین اسلامی (۱۳۷۶/۷/۳۰).
- عدول از دیدگاه‌ها و قوانین اسلام و رفتن افراد و جامعه به طرف اندیشه‌های غربی (۱۳۷۶/۲/۱۷).
- سودجویی سرمایه‌داران و صاحبان قدرت و ثروت با استفاده از زنان به عنوان نیروی کار ارزان قیمت (۱۳۷۶/۷/۳۰).

بنابراین دیده می‌شود که علل بسیاری از جمله قدرت بدنی مردان، بی‌تقوایی و نبود روح دین‌داری و تقوا در جامعه، نداشتن مهارت و آگاهی کافی تا سودجویی‌های افراد و گروه‌های مختلف، به‌گونه‌ای در ایجاد خشونت علیه زنان مؤثرند. نتیجه این اعمال ظلم و خشونت‌ها پیامدهای منفی بسیاری بر خانواده و جامعه بر جا خواهد گذاشت که پژوهشگر، در ادامه تعدادی از آن‌ها را برشمرده و به بررسی و تحلیل آن‌ها می‌پردازد.

تأثیرات و پیامدهای خشونت علیه زنان

بیان نتایج و پیامدهای خشونت علیه زنان نیاز به اطلاعات و آمار کافی در این زمینه دارد که به دلیل عدم دسترسی کافی و دور از چشم بودن بعضی از اعمال خشونت‌آمیز (کاوه، ۱۳۸۹) و ترس بعضی از زنان و عدم بیان مسائل و خشونت‌های اعمال شده به آنان قدری مشکل است (اعزازی، ۱۳۸۳)، اما به طور مسلم این مسئله آثار سوء بسیاری در پی دارد که می‌توان با توجه به بیانات رهبری به چند نمونه از آن‌ها اشاره کرد.

- رخت برپستن اخلاق و معنویت از جامعه (۱۳۸۴/۳/۲۵).
- از بین رفتن عزت و شرف زن، دور شدن زن از آرمان‌ها و اهداف تکاملی انسانی و سرگرم شدن وی به امور بی‌بهره و حقیر (۱۳۶۹/۱۰/۱۶).

- تزلزل بنیاد خانواده و از بین رفتن آرامش و آسایش در فضای خانواده و خیانت همسران به یکدیگر (۱۳۷۹/۶/۳۰).
- عدم تربیت صحیح و فاسد شدن نسل آینده و در نتیجه شکل‌گیری جامعه-ای ناسالم (۱۳۷۵/۱۲/۲۰).
- تحلیل نیروهای مثبت جامعه و عدم شکوفایی استعدادهای بالقوه زنان (۱۳۷۶/۷/۳).
- افزایش انواع جرائم و قتل و خونریزی در جامعه (۱۳۹۱/۱۲/۲۱).
- افزایش آمار اعتیاد (۱۳۷۵/۱۲/۲۰).
- افزایش آمار طلاق (۱۳۷۵/۱۲/۲۰).
- افزایش تجارت زنان و قاچاق زنان، افزایش تعداد فرزندان نامشروع و بی‌سرپرست در جامعه (۱۳۹۰/۳/۱).
- از بین رفتن حرمت مادر در خانواده، (۱۳۷۳/۷/۲۰).

هنگامی که حقوق زن در نقش همسر در امن‌ترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده مورد تجاوز قرار گیرد و به جای امنیت خاطر و آرامش، هراس و ناامنی جایگزین شود، هویت زن دچار اختلال شده و عزت نفس او تبدیل به احساس حقارت و بی‌ارزشی می‌شود (نوابخش، ۱۳۸۷). در نتیجه وی از اهداف اصلی و تکاملی زندگی خود دور شده و به امور بیهوده و عواملی که بتواند اضطراب و ناآرامی وی را هرچند به طور موقت فرو نشاند، سرگرم می‌شود. به عبارتی در خانه‌ای که مرد، همسر خود را در حضور فرزندان، مورد بی‌مهری، ظلم و خشونت قرار می‌دهد، ارزش و احترام مادر در این خانواده نزد فرزندان نیز از بین خواهد رفت و او دیگر نخواهد توانست نقش تربیتی و مدیریتی خود را اجرا کند (نوابخش، ۱۳۸۷).

خشونت و درگیری والدین الگوی نامطلوبی است که کودکان آن را می‌آموزند و به این نتیجه می‌رسند که خشونت تنها راه حل اختلاف است. خشونت در خانواده رشد سالم شخصیت فرزندان را مختل می‌کند و در محیطی پر از تنش و اضطراب فرزندان زورگو، پرخاشگر و سلطه‌طلب را به بار می‌آورد و به نحو مسخ آمیزی نسل بعد را ضایع می‌کند (بخشی سورشجانی، ۱۳۸۵). فرزندان که شاهد خشونت علیه

زنان در خانواده و جامعه خود بوده‌اند خشونت را به عنوان جزء طبیعی زندگی می‌پندارند (نوابخش، ۱۳۸۷) و در نتیجه به انواع جرائم و قتل و خونریزی در جامعه دست می‌زنند.

خشونت علیه زنان رابطه مستقیمی با مصرف بالای مواد و اعتیاد دارد. زنانی که در خانواده و یا جامعه مورد خشونت قرار می‌گیرند دچار احساس ضعف و ناتوانی و از خود بیگانگی می‌شوند و به سمت رفتارهای ناسالم و مصرف مواد و اعتیاد پیش می‌روند. یکی از نتایج خشونت علیه زنان تصمیم به برون‌رفت و ترک خانه و زندگی از سوی فرد قربانی است. بسیاری از زنان مورد خشونت به خاطر فرزندان خود و ترس از بی‌پناهی همچنان به زندگی مشترک خود ادامه می‌دهند اما بسیاری از زنان نیز این وضعیت را تحمل نکرده و طلاق و ترک زندگی مشترک را به عنوان راه‌حل مشکل خود برمی‌گزینند (رزاقی، ۱۳۹۲). با افزایش خشونت علیه زنان و عدم قوانین بازدارنده، بسیاری از افراد سودجو، دست به تجارت، خرید و فروش و قاچاق زنان می‌زنند و بسیاری از این زنان پس از فروخته شدن مورد تجاوز قرار گرفته و باردار شده و سپس سرگردان و بی‌پناه می‌شوند (عنصری، ۱۳۷۸).

با توجه به علل گفته شده، مشخص است که خشونت علیه زنان می‌تواند تأثیرات منفی نسبت به فرد و خانواده داشته باشد و زمینه‌ساز مشکلات جدی در جامعه گردد.



شکل ۱- خشونت علیه زنان از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

نتیجه‌گیری

امروزه سه رویکرد و دیدگاه نسبت به مسائل زنان در جامعه وجود دارد: رویکرد روشنفکر مآبانه، رویکرد متحجرانه و رویکرد اعتدالی. رویکرد روشن فکر مآبانه که پایه‌های فکری خود را از غرب گرفته و با نگرش‌های فمینیستی همراه است، اغلب به دنبال مدل زن عروسکی است و تمام ابزارهای تبلیغاتی چون ماهواره، سینما و حتی ادبیات را برای رسیدن به اهداف خود در اختیار می‌گیرد. این رویکرد به ظاهر، با ترویج بی‌حجابی به دنبال آزادی زنان است در حالی که در این رویه به واقع زن به شکل یک شیء و کالای جنسی نگریسته می‌شود. رویکرد متحجرانه یا سنتی که از سوی دشمنان به اسم اسلام تبلیغ می‌شود در مقابل هویت انسانی زن است و او را به شکل یک انسان برابر در کنار مرد نمی‌بیند. این رویکرد زن را به عنوان جنس دوم و برای خدمت به مرد معرفی می‌کند و در نتیجه فرصت تحصیل و رشد و تکامل را از زن گرفته و او را در انزوا قرار می‌دهد.

در هر دو دیدگاه روشن فکر مآبانه و دیدگاه متحجرانه با نگرش غلط نسبت به هویت و نقش زن، خشونت‌های بسیاری در خانواده و توسط اعضای خانواده (حوزه خصوصی) و در جامعه و توسط افراد بیگانه و نهادهای گوناگون و حتی دولت‌ها (حوزه عمومی)، در اشکال مختلفی از جمله خشونت جسمی، جنسی، قومی، روانی، سیاسی و اقتصادی اعمال می‌شود که بسیاری از این خشونت‌ها، روح و روان و ارزش واقعی زن را آزوده و خدشه‌دار می‌کند و برخی از آن‌ها موجب صدمات فراوانی به جسم و بدن زن می‌گردد. علل و عوامل بسیاری در ایجاد و شیوع خشونت علیه زنان مؤثرند که از جمله آن‌ها می‌توان به از بین رفتن صمیمیت در درون خانواده و تزلزل بنیان خانواده، رواج فرهنگ تجمل و خودنمایی، کمرنگ شدن روح عفت و تقوا و رواج بی‌بندوباری و فحشا، نبود امنیت در جامعه، عدم وجود قوانین بازدارنده و قوانین حمایتی، عدم اجرای صحیح قوانین و عدم آگاهی و مهارت کافی در افراد جامعه، اشاره کرد. خشونت علیه زنان تأثیرات و پیامدهای مخربی بر فرد و جامعه خواهد گذاشت؛ قاچاق و تجارت زنان و تجاوز و تعدی به آنان، روز بروز در جامعه افزایش خواهد یافت و با از بین رفتن و تضعیف نیمی از جامعه و سست و متزلزل شدن بنیان

خانواده، نسل آینده بشریت نسلی سالم و توانمند نخواهد بود و امنیت و اخلاق از جامعه رخت بر خواهد بست و سرگردانی و نابودی جامعه را در پی خواهد داشت. رویکرد اعتدالی از سوی رهبران انقلاب اسلامی (امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای) به شدت پشتیبانی شده و با وجود مخالفت‌های متحجران و هجمه‌های گسترده دشمنان همچنان در حرکت است. «نگاه به زن، به عنوان یک عضو در خانواده است که این از همه مهم‌تر به نظر می‌رسد. عزیزان من! در اسلام به مرد اجازه داده نشده است که به زن زور بگوید و امری را بر او تحمیل کند. برای مرد در خانواده، حقوق محدودی قرار داده شده است که از روی کمال مصلحت و حکمت است. این حقوق، برای هرکس گفته و تشریح شود، مورد تصدیق قرار خواهد گرفت. همچنین، برای زن نیز در خانواده، حقوقی معین شده است که آن هم از روی مصلحت است. مرد و زن، هرکدام طبیعت، اخلاق، روحیات و غرایزی دارند که ویژه خودشان است. آن‌ها اگر از خلیات ویژه خود به طور صحیح استفاده کنند، در خانواده، زوجی کامل و هماهنگ و مساعد تشکیل می‌دهند. اگر مرد زیاده‌روی کرد، تعادل به هم می‌خورد. اگر زن هم زیاده‌روی کرد، تعادل به هم می‌خورد. اسلام در داخل خانواده، دو جنس زن و مرد را مانند دو لنگه یک در دو چشم در چهره انسان، دو سنگر نشین در جبهه نبرد زندگی و دو کاسب شریک در یک باب مغازه قرار داده است. هرکدام از این دو، طبیعت، خصوصیات و خصلت‌هایی، هم در جسم و روح و فکر و هم در غرایز و عواطف دارند که ویژه خودشان است. این دو جنس، اگر با همان حدود و موازینی که اسلام معین کرده است در کنار هم زندگی کنند، خانواده‌های ماندگار و مهربان و بابرکت و پرفایده خواهند داشت» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۶/۲۸).

گفتمان انقلاب اسلامی، زن را از لحاظ هویت انسانی با مرد برابر می‌داند و به هیچ یک اجازه نمی‌دهد در حق دیگری ظلم کند. این رویکرد زن را در خدمت به مرد و وسیله کامجویی و التذاذ او قرار نمی‌دهد. در گفتمان انقلاب اسلامی زن یک عنصر فعال جامعه محسوب می‌شود و تفاوت‌هایی که در حقوق و وظایف برای مرد و زن ایجاد می‌شود متناسب با استعدادهای ذاتی زن و مرد است. اگر وظیفه اصلی زن برقراری آرامش و سکینت در خانواده و تربیت فرزند معرفی می‌گردد، هرگز راه

برای حضور اجتماعی زن و تحصیل و رشد و ارتقای مادی و معنوی زن بسته نمی‌شود. در این رویکرد زن عنصر اصلی سازنده جامعه محسوب می‌گردد که در صورتی فاسد شدن وی، کل جامعه فاسد خواهد شد؛ بنابراین اگر در جامعه، آنچه به یمن امام و آیت‌الله خامنه‌ای به وجود آمده ادامه یابد و از مسیر اصلی خود منحرف نشود، زن به جایگاه رفیع خود نائل می‌شود. امید است با شناختن و بکار بردن تعریف انقلاب اسلامی از هویت و جایگاه زن و خانواده و جلوگیری از سیاسی شدن موضوع زنان بتوانیم هر چه بیشتر در مسیر رفع خشونت علیه زنان و در نتیجه به سمت آینده‌ای روشن گام برداریم.

پیشنهادات

الف) در جهت پیشگیری از خشونت علیه زنان پیشنهاد می‌شود با انجام کارهای فرهنگی و اعتقادی و تفسیر صحیح از احکام و نظرات دین توسط علما و روحانیون و افراد آگاه از دین، از طریق گنجاندن برنامه‌های آموزشی در رسانه‌های گروهی برای ارتقاء سطح آگاهی مردم، گامی برداشته شود.

ب) در قوانین مربوط به روابط زن و مرد، خلأهایی وجود دارد. به طوری که به مرد این اجازه را می‌دهد که علیه زن اعمال خشونت کند. لذا پیشنهاد می‌شود این قوانین مورد بازبینی قرار گیرد تا در رفع خشونت علیه زنان و بهبود روابط زن و مرد مؤثر واقع گردد.

ج) با توجه به حجمه‌های فکری، سیاسی و فرهنگی دشمن و گستردگی و روزافزونی آن، نیاز به پژوهش‌های دقیق، جامع و سیستماتیک که نشانگر پرباری و جامعیت نگاه اسلام و گفتمان انقلاب اسلامی و ناکارآمدی نگاه‌های فمینیستی باشد بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. یکی از مباحثی که می‌تواند در این رویایی مورد بررسی قرار گیرد موضوع خشونت علیه زنان است که می‌تواند در ادامه، به طور عمیق و با بررسی جامع و همه جانبه، نگاه‌های رقیب و گفتمان انقلاب مورد تحلیل و قیاس قرار گیرد.

د) از آنجایی که در این مختصر مجال پرداختن به راهکارهای مسئله خشونت علیه زنان میسر نشد، پیشنهاد می‌شود، در پژوهشی دیگر این مسئله به تفصیل بررسی و ارائه گردد.

منابع

- عزازی، شهلا (۱۳۸۳). ساختار جامعه و خشونت علیه زنان، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۴(۱۴)، ۵۹-۹۶.
- آیت‌اللهی، زهرا (۱۳۸۰). نگاه تطبیقی به موضوع خشونت علیه زنان (قسمت دوم)، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۱۴(۱۰)، ۱۰۶-۱۲۳.
- بخشی سورشجانی، لیلا (۱۳۸۵). خشونت علیه زنان. پژوهش‌های تربیتی، ۷، ۳۳-۵۰.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۶). ابوالحسن مدائنی و آثار وی درباره زنان، پیام زن، ۱۲(۷۲)، ۲۸-۳۱.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۹). زن در آیینه جمال و جمال، تهران: نشر مجد.
- حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۷۸). دائرةالمعارف جامع اسلامی، تهران: موسسه فرهنگی آرایه.
- حنایی کاشانی، محمد سعید (۱۳۷۷). پرسش از تکنولوژی و خشونت، کیان، ۸(۴۵)، ۱۲۳.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی. چاپ سوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)؛ چاپ و نشر عروج.
- رزاقی، نغمه؛ پرویزی، سرور؛ رضانی، منیر و طباطبایی نژاد، سیدمحمد (۱۳۹۲). پیامدهای خشونت علیه زنان در خانواده، یک مطالعه کیفی، مجله زنان مامایی و نازایی ایران، ۱۶(۴۴)، ۲۰-۱۱.
- سوهانی، پگاه؛ شامبیاتی، لاله رخ و موسوی، پدram (۱۳۷۹). خشونت علیه زنان، بهداشت خانواده، ۱۹، ۴۴-۵۴.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۱ ق). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه الاعلمی اسماعیلیان.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق، قم، شریف رضی.
- عمید، حسن (۱۳۷۸). فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عنصری، لیلا (۱۳۷۸). خشونت علیه زنان نقض حقوق بشر، حقوق زنان، ۱۱، ۵۳-۵۲ و ۶۵.
- عیسی زاده، بشیر؛ محمدزاده، مهدی؛ حاجی‌علی‌خمسه، مرتضی (۱۴۰۱). نقد و بررسی لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» از منظر اصول و قواعد قانون‌گذاری، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، شماره ۱۰۶، ۴۴۱-۴۶۳.

قرشی، شازیا (۱۴۰۰). پذیرش خشونت علیه زنان به عنوان نقض حقوق بشر در سیستم سازمان ملل متحد، مترجم: سیده مائده تقوی و سجاد رضایی‌نژاد، پژوهش‌نامه حقوق بشری، ۲۶، ۳۵-۵۳.

کاوه، محمد (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی، تهران: جامعه‌شناسان. کرمی، موسی؛ مشهدی، علی (۱۴۰۱). خشونت اکولوژیک علیه زنان تأملی حقوقی بر تأثیر تخریب محیط‌زیست بر افزایش خشونت علیه زنان، فقه و حقوق خانواده، ۷۶، ۱۶۹-۱۹۱.

مهر آرا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). زمینه روان‌شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات مهرداد. میرجعفری، زاهره‌سادات؛ حبیبی تبار، جواد؛ توحیدی، احمدرضا و فتاحی، سید محسن (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی قوانین ملی و بین‌المللی در زمینه رفع خشونت خانگی علیه زنان، مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده، ۸، ۸-۳۲.

نوابخش، مهرداد و قجاوند، کاظم، (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر خشونت مردان معتاد علیه زنان باردار، اعتیاد پژوهی، ۸، ۳۲-۵.

ولی مراد، توران (۱۳۹۴/۳/۲۴). تأکید امام خمینی بر تعلیم و تعلم زنان به دلیل نقش کلیدی آنان در سعادت جامعه است، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی <http://www.imam-khomeini.ir>

یامچی خان محمدی، معصومه (۱۳۸۷). بررسی خشونت علیه زنان از دیدگاه فقه اسلامی. پایان‌نامه در مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران مرکزی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، تهران.

وبسایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) / <https://farsi.khamenei.ir>